



Comparative study of educational consequences of patriotism in Shahnameh and Islamic teachings

AliReza Toorani Lord¹, Kamal Nosrati Heshi², Mohammad Reza Darvishi³, Adil Hamidvand⁴

¹ Bachelor student, Farhangian University, Iran

² Assistant Professor, Farhangian University, Tehran, Iran

³ Bachelor student, Farhangian University, Iran

⁴ PhD student, Azad University, Iran

Corresponding author: Nosrati Heshi.
kamalnosrati1367@cfu.ac.ir

Received: 2022/12/24 **Accepted:** 2023/08/06

Background and Objectives: The aim of the research is to compare the educational consequences of patriotism and its components in Ferdowsi's Shahnameh and Islamic teachings.

Methods: This research was done with a qualitative method and document analysis type.

Findings: In the findings section, first with the topic of patriotism, we will examine some components in Ferdowsi's Shahnameh, including; Love for the homeland, paying attention to the fate of the homeland and being sensitive to it, defending the homeland, creating a sense of patriotism and pride for the homeland, making sacrifices for the sake of the homeland, creating a positive feeling towards the homeland and the freedom of the people of the homeland. Also, in the section of Islamic teachings, components such as the security of homeland, city and life, defense of the homeland, sensitivity to the land, the inherent value of the homeland, patriotism, the importance of security and prosperity in the homeland were examined, and at the end, the differences and adaptations were examined. The similarities between the view of the Shahnameh and Islamic teachings were discussed in connection with the discussion of patriotism.

Conclusion: As a result, inspired by the findings obtained, by introducing the new generation to their national and religious values, the best solution can be presented to preserve the zeal and honor of the homeland, and to protect the soil and the homeland in the new generation; Therefore, one of the goals of this research is to provide theoretical content for use in elementary and secondary school textbooks.

Keywords: Islamic teachings, Ferdowsi's Shahnameh, comparative study, patriotism

بررسی تطبیقی پیامدهای تربیتی وطن‌دوستی در شاهنامه و آموزه‌های اسلامی

علیرضا تورانی لرد^۱، کمال نصرتی هشی^۲، محمد رضا درویشی^۳، عدیل حمیدوند^۴

^۱ دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، اردبیل، ایران.

^۲ استاد یار گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

^۳ دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، اردبیل، ایران.

^۴ دانشجوی دکتری، عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی با مرتبه مربی، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل.

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۵

دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۳

*نویسنده مسئول: kamalnosrati1367@yahoo.com

چکیده
<p>زمینه و اهداف: هدف پژوهش بررسی تطبیقی پیامدهای تربیتی وطن‌دوستی و مؤلفه‌های آن در شاهنامه فردوسی و آموزه‌های اسلامی است.</p>
<p>روش‌ها: این پژوهش با روش کیفی و از نوع تحلیل اسنادی انجام شد.</p>
<p>یافته‌ها: در بخش یافته‌ها ابتدا با موضوع وطن‌دوستی به بررسی مؤلفه‌هایی در شاهنامه فردوسی از جمله؛ عشق به وطن، توجه به سرنوشت وطن و حساسیت به آن، دفاع از وطن، ایجاد حس وطن‌دوستی و افتخار به وطن، ایثارگری در راه وطن، ایجاد حس مثبت نسبت به وطن و آزادی و آزادگی مردمان وطن پرداخته است. همچنین در ادامه در بخش آموزه‌های اسلامی مؤلفه‌هایی همچون امنیت وطن شهر و زندگی، دفاع از وطن، حساسیت بر سرزمین، ارزش ذاتی وطن، حب وطن، اهمیت وجود امنیت و رفاه در وطن مورد بررسی قرار گرفت و در پایان به بررسی و تطبیق تفاوت‌ها و شباهت‌های نگاه شاهنامه و آموزه‌های اسلامی در ارتباط با بحث وطن‌دوستی پرداخته شد.</p>
<p>نتیجه‌گیری: در نتیجه با الهام از یافته‌های به‌دست‌آمده می‌توان با آشنایی نسل جدید به ارزش‌های ملی و دینی خود، بهترین راهکار را جهت حفظ غیرت و عزت وطن، و پاسداری از خاک و میهن در نسل جدید ارائه داد؛ لذا از اهداف این پژوهش، تأمین محتوای نظری در جهت استفاده در کتب درسی دوره ابتدایی و متوسطه است.</p>
<p>کلمات کلیدی: آموزه‌های اسلامی، شاهنامه فردوسی، مطالعه تطبیقی، وطن‌دوستی</p>

مقدمه

وطن دوستی و عشق به وطن در ذات انسان‌ها نهفته است. اگر این مسئله نباشد قطعاً مردمان بدون هیچ ملاحظه‌ای بر سرزمین‌های یکدیگر تعرض می‌کنند. وطن دوستی در مردمان میزان یکسانی ندارد؛ گاه باعث می‌شود فرد جان خود را فدای آن کند و گاه فقط در حد شعار است. این دوست داشتن حتی می‌تواند باعث اختلاف قومیتی شود، یا برعکس عامل اتحاد ملی که در مورد اول دشمنان استفاده زیادی می‌برند. اسلامی (۱۳۹۹) می‌نویسد: «هیچ کشوری با افکار ضد دولت و ضد کشور توسعه پیدا نکرده است. منطق توسعه اجماع نخبگان ملی است که کشور را دوست دارند برای توسعه و آبادانی آن از هیچ اقدامی دریغ نمی‌کنند». دوست داشتن وطن برای حفظ عزت، ارزش، اقتدار و امنیت آن ضروری است. وطن دوستی که باعث حفظ عزت وطن شود ارزشمند است. پس انتظار می‌رود شهروندان ما در هر گوشه از این دنیا که زندگی می‌کنند با در نظر داشتن فرهنگ غنی و تمدن کهن خویش با هر الگو و سبک زندگی که دارند، اصول آموزه‌های ایرانی را حفظ کنند و برای حفظ ارزش و اقتدار وطن و امنیت خویش تلاشگر و دل‌سوز باشند زیرا در این صورت است که شاهد عزت، استقلال و پیشرفت کشور خواهیم بود.

تاکنون در مورد وطن دوستی تحقیقاتی انجام شده است. مثلاً ملا احمد (۱۴۰۰) در پژوهشی تحت عنوان «وطن دوستی در شاهنامه»، مباحث میهن دوستی، افتخار به تمدن غنی و باستانی ایران، حفظ وطن از اجنبیان یغماگر و امثال اینها را از موضوعات اساسی شاهنامه فردوسی می‌داند و توصیف ایران در شاهنامه محور اصلی این پژوهش است؛ و دیدگاه باستان‌شناسان سرشناس نیز در مورد وطن دوستی در شاهنامه بررسی شده است. میرجلیلی (۱۳۹۱) پژوهشی تحت عنوان «وطن دوستی از دیدگاه قرآن و روایات» انجام داده که در آن وطن دوستی از دیدگاه دین اسلام مقدس شمرده می‌شود و بیان داشته که از دیدگاه اسلام وطن‌گرایی نباید جنبه افراطی و منفی به خود بگیرد و موجب تبعیض گردد.

در قرون اخیر، وطن دوستی منحصر به آریایی پرستی و افتخار به افسانه‌ها تعریف شده و فقط به یک قوم و ملت اهمیت می‌دهد. یوسفی جویباری و دیگران (۱۳۹۱)، می‌نویسند: «منظور از مسئله قومی، وضعیتی است که در آن کل اقوام یا بخشی از اقوام کشور در احساس گرایش یا عمل نسبت به ملت، کشور و احساس تعلق به آن دچار بی‌تفاوتی یا مخالفت شده‌اند و در عوض بر ویژگی‌های خود تأکید‌گذارده و خواهان درجاتی از واگرایی هستند»، لذا همواره وطن دوستی به این معنا همه مواهب ملی و سرمایه‌ها را منحصرأ در خدمت یک زبان، تاریخ، فرهنگ و قوم قرار می‌دهد؛ درحالی‌که وطن دوستی معقول حق استفاده از این سرمایه و مواهب را برای همه اقوام ایران محفوظ می‌داند. نابرابری‌های قومی ضربه جبران‌ناپذیری را به وطن دوستی، وحدت ملی و امنیت ملی می‌زند که همواره دشمنان ایران نیز از این طریق درصدد ضربه به ملت و کشور ایران برآمده‌اند لذا کارکرد معنای وطن دوستی باید پاسخ‌گوی نیازهای همه اقوام به صورت برابر در زیر یک پرچم باشد که هم وحدت، هم امنیت ملی را حفظ می‌کند و مهم‌ترین عامل تجزیه ایران را خنثی می‌کند.

تربیت دانش‌آموزان از مناظر اجتماعی و سیاسی که وطن‌خواهی و وطن‌دوستی در آنان تقویت شود از نکات ضروری در آموزش و پرورش در کشورمان می‌باشد. مهدی رهبری و دیگران (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت‌عنوان «هویت ملی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»، نتیجه می‌گیرد: لایه هویت ایرانی در این سند، با مؤلفه‌هایی چون توسعه بومی، وحدت ملی، زبان فارسی، روحیه جهادی و انقلابی، میراث فرهنگی و تمدنی، سرود و پرچم ملی، آمیختگی اسلام و ایران و سرزمین ایران مشخص می‌گردد». بدین منظور بررسی تطبیقی وطن‌دوستی در فرهنگ اصیل ایرانی و فرهنگ اسلامی در ارتقای نقش اجتماعی و سیاسی دانش‌آموزان در جامعه ضرورت می‌یابد.

با بررسی تحقیقات انجام شده در بحث وطن‌دوستی در شاهنامه فردوسی و قرآن و روایات، مشخص شد که پژوهش‌هایی در این زمینه انجام شده و وطن‌دوستی را به‌خوبی تشریح کرده‌اند. ولی این پژوهش برای اولین بار به بررسی تطبیقی مؤلفه‌های وطن‌دوستی در آموزه‌های انسان‌ساز اسلامی و شاهنامه فردوسی به‌عنوان منبع اصیل و ملی ایرانیان می‌پردازد تا از این طریق به مؤلفه‌های وطن‌دوستی در منابع فوق دسترسی و با تطبیق به شناخت جامع دست‌یافت و امید است با شناسایی مؤلفه‌های وطن‌دوستی در منابع فوق در تربیت نسل نو و وطن‌دوست از یافته‌های این اثر به‌رمند شد و با تربیتی که مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و ایرانی است، زمینه را برای ایجاد هرگونه فساد و خیانت به وطن از میان برداشت.

روش پژوهش

این پژوهش با روش کیفی و از نوع تحلیل اسنادی انجام شد.

یافته‌ها

مؤلفه‌های وطن‌دوستی در شاهنامه فردوسی

در این قسمت در شاهنامه فردوسی به بررسی و شناسایی مؤلفه‌هایی پرداخته می‌شود که مربوط به وطن‌دوستی است:

عشق به وطن

وطن‌دوستی و عشق به وطن موضوعی است که می‌توان گفت هر انسانی در وجود خود و در ذهن خود به‌عنوان یک اصل قبول کرده و به آن ایمان دارد. مبارزه و ایثارگری در راه وطن یک باور عمیق است که ایرانیان از هزاران سال پیش تاکنون بر این باور محکم ایستادند و دلاورانه صحنه‌ها و حماسه‌هایی آفریدند. داستان‌ها و شعرهای زیادی از حماسه ایرانیان وطن‌دوست وجود دارد که موارد زیادی از آن در شاهنامه ذکر شده است. در این زمینه فردوسی به‌عنوان یک شاعر وطن‌دوست می‌نویسد:

همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

(فردوسی، ۱۳۷۰: ۸۸۳)

فردوسی در بیت مذکور علاقه و عشق به وطن را طوری تفسیر می کند که سر دادن و مردن را بهتر و زیباتر از تسلیم شدن در مقابل دشمن دانسته و همچنین وطن برای فردوسی نه تنها وطن بلکه کل جهان هستی محسوب می شود. بدون وطن خود را هیچ دانسته و برای ایران هیچ چیز را دریغ نمی دارد.

چنین گفت موبد که مردن به نام به از زنده دشمن بدو شاد کام
اگر من شوم کشته بر دست اوی نگردد سیه روز چون آب جوی
چو گودرز و هفتاد پور گزین همه پهلوانان با آفرین
نباشد به ایران تن من مباد چنین دارم از موبد پاک یاد

(فردوسی، بی تا، بخش ۱۳)

طبق این ابیات، می توان اذعان داشت که فردوسی به وطن خود علاقه شدیدی دارد و دل سوزانه و عاشقانه از خراب شدن وطن توسط اجنبیان ناراحت می شود. در این راستا می نویسد:

نمانیم که این بوم ویران کنند همی غارت از شهر ایران کنند

(فردوسی، ۱۳۷۰: ۱۹۸۳)

در نتیجه همان طور که فردوسی بدان اشاره کرده است، همه ما هم وطنان نسبت به مسائلی که وطن را تهدید می کند، نباید بی تفاوت بوده و نباید اجازه داد تا دشمن و بدخواهان ایران به راحتی به چپاول منابع، فرهنگ، ارزش و اعتقادات بپردازند.

توجه به سرنوشت وطن و حساسیت به آن

در شاهنامه فردوسی به فراوانی درباره نگرانی ها و حساسیت ها نسبت به مرزوبوم و تمامیت ارضی و فرهنگی کشور سخن گفته شده است. فردوسی از ویرانی و نابود شدن ایران ابراز نگرانی می کرد و می گفت حیف است که ایران ما از بین برود و محل اشغال دشمنان شود:

دریغ است ایران که ویران شود کنام پلنگان و شیران شود

(فردوسی، بی تا، بخش ۳)

این حساسیت به شدت و عمیقاً از شعر و کلام حکیم فردوسی به جان می نشیند و حس وطن دوستی را در وجود تک تک عاشقان وطن بر می انگیزد. همچنین او، ایران را محل زندگی و محل حکومت و فرمانروایی بزرگان می خواند که سراسر جهان گسترده زیر دست و به قولی زیر نظر و تحت فرمانروایی ایران است؛ چراکه ایران خاستگاه بزرگان و دلیران بوده و هست و همیشه هستند کسانی که با خون خود پیکره ایران را به دفاع و ایثار غسل می دهند:

ندانی که ایران نشست من است جهان سر به سر زیر دست من است

(فردوسی، بی تا، بخش ۶)

بنابراین حواسمان باشد، ما به عنوان یک ایرانی پاسدار و وامدار چه مردان و قهرمانانی بوده و چه فرهنگ و تمدن اصیل و متشخصی را به یدک می کشیم. لذا در این زمینه حساسیت تک تک ایرانیان را می طلبد که بر سرنوشت کشور و سرافرازی آن مقابل هر اقدام و حرکتی ایستاده و اجازه دهن کجی و توهین را به کسی نداده، تا روزه روز ایرانی سرافرازتر برای نسل های بعدی به ثمر بنشیند.

دفاع از وطن

دفاع از وطن و مرزبوم در تاریخ کهن کشور ایران همواره سر زبان ها بوده و همیشه به وجود مدافعان حریم خانه پرشکوه که جانانه و عاشقانه در برابر هر قومی ایستاده اند، باید افتخار کرد. فردوسی در اثر افتخار آفرین خود یعنی شاهنامه بسیار زیاد به ستایش پهلوانان و مدافعان ایران پرداخته و به همبستگی و یکدلی هم وطنان برای نبرد با دشمن اشاره کرده است:

همه روی یکسر بجنگ آوریم جهان بر بدانیش تنگ آوریم

(فردوسی، ۱۳۷۰: ۱۵۴۹)

فردوسی اتحاد را رمز غلبه بر دشمنان دانسته و گفته برای خاک و سرزمینی که در آن زندگی می کنیم، همه باید با هم بوده و از وطن خود دفاع کنیم:

ببندیم دامن یک اندر دگر اگر خاک یابیم اگر بوم و بر

(فردوسی، ۱۳۷۰: ۱۵۴۹)

همچنین فردوسی در بیتی که قبلاً هم اشاره بدان شد، دفاع از وطن را وظیفه هر ایرانی می دانست و معتقد بود نباید نسبت به امور کشور بی تفاوت بود تا دشمنان مملکت را به تاراج ببرند:

نمانیم کاین بوم ویران کنند همی غارت شهر ایران کنند

(فردوسی، ۱۳۷۰: ۱۹۸۳)

آزادانه و غیرتمندانه زندگی کردن و عشق ورزیدن به جا و مکان زندگانی خود و دفاع از آن، یک کار خوب یا به عبارتی یک روش انسانی زندگی کردن و یک وظیفه ذاتی و عالی است که نشان دهنده آزاد بودن و در بند نبودن است و این عزت و جلال در بین تک تک کسانی که از جان خود گذشتند تا وطن خویش را از دست متجاوزان و بیگانگان کوتاه کنند، نشانگر اوج انسانیت و مسئولیت پذیری و آزادی آدمی است.

ایجاد حس وطن دوستی و افتخار به وطن

حتماً برخی مواقع هنگام شنیدن اسم ایران و افتخار آفرینی هم وطنان، این حس در شما ایجاد شده که نتان لرزیده و موهایتان سیخ شده باشد. یا در مواقعی مثل خواندن شعرهای فردوسی یا در صحنه‌های ورزشی یا شنیدن ایثار و جانفشانی بزرگ مردان و شهیدان وطن و شاید اشک هم از چشمانتان سرازیر شود. این حس افتخار و عشق به وطن را فردوسی در شاهنامه با عنوان رجز و افتخار بدان اشاره کرده است:

ندانی که ایران نشست منست جهان سر به سر زیر دست منست

(فردوسی، بی تا، بخش ۶)

شاعر، ایران را محل زندگی و زادگاه و وطن خود بیان کرده و به خاطر همان گفته است جهان نقطه به نقطه اش زیر دست قدرت ایران است. از مواردی که ایران و ایرانی در جهان بدان شناخته می‌شود، هنر و اتحاد آنهاست که مایه افتخار هر ایرانی است. فردوسی هم در این زمینه نوشته است:

هنر نزد ایرانیان است و بس ندادند شیر ژیان را به کس
همه یکدلانند یزدان شناس به نیکی ندارند از بد هراس

(فردوسی، ۱۳۷۰: ۱۹۱۰)

پس هنر هم وطنان مورد ستایش قرار گرفته و در جهان بی‌همتا دانسته شده و از یکدلی و خداپرستی و ترسیدن از بدمایگان و بدی آنها شاعر به خود بالیده است. یقیناً باید به وجود مردمانی که از اول تاریخ تاکنون باعث سرافرازی و بلند آوازی و وطن خود شده‌اند، افتخار و راه آنها را ادامه داد.

ایثارگری در راه وطن

شاید در مطالب گذشته زیاد از فداکاری و ایثار شنیدید، ولی ایثار کلمه‌ای است که شاید به تنهایی بتوان برایش کتاب نوشت و مثال آورد. ایثار یعنی برگزیدن و دیگران را بر خود مقدم داشتن یا گذشتن از مال و جان و مقام و همه چیز خود برای یک ارزش یا هدف و مانند آن. درباره ایثار شاید به زبان و قلم ساده سخن گفت و نوشت، ولی اگر فردی در موقعیت واقعی قرار بگیرد، شاید به صورت متفاوت عمل کند. باین وجود، با نگاه به دنیای پیرامون و گذشته، می‌توان گاهی شاهد افرادی بود که به راحتی از همه وابستگی‌های خود برای حفظ وطن، خاک، جان، ناموس و شرف خود گذشتند و شرافتمندانه مقاومت کردند. فردوسی هم در شاهنامه در این زمینه می‌نویسد:

نگه کن بدین لشکر نامدار جوانان شایسته کارزار

ز بهر بر و بوم و پیوند خویش زن و کودک و خرد و فرزند خویش

همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

(فردوسی، ۱۳۷۰: ۸۸۳)

دیگر چه می‌توان گفت که به این زیبایی کلمات به وزن کشیده شده‌اند و معنی ایثار را معنا کرده‌اند. دربارهٔ ایثار فردوسی در جایی دیگر می‌نویسد:

زمین لاله گون شد هوا نیلگون برآمده همی موج دریای خون

(فردوسی، ۱۳۷۰: ۱۰۴۵)

در این بیت به ایثار مدافعان وطن در جنگ با تورانیان اشاره شده که زمین پر از خون سربازان ایرانی، به سرخی دشت لاله تشبیه شده است؛ فراوان فردوسی در شاهنامه از ایثار سخن گفته و به تمجید ایثارگران پرداخته است که همگی برگرفته از حس وطن‌دوستی و عشق و غیرت او می‌باشد.

ایجاد حس مثبت نسبت به وطن

تمدن کهن ایرانی همواره در طول تاریخ نشانگر فرهنگ و ارزش‌های بنیادی برتر در جهان بوده و فردوسی نیز به این موضوع به‌طور مکرر پرداخته است. به‌طوری که او در این زمینه مردمان ایران را ستایش و برتر از مردمان جهان دانسته است:

چو از روم و از چین و از ترک و هند جهان شد مر او را چو رومی پرند

ز هر مرز پیوسته شد باژ و ساو کسی را نبد با جهاندار تاو

همه مهتران از ایران بخواند سزاوار بر تخت شاهی نشاند

(فردوسی، ۱۳۷۰: ۱۷۰۸)

همان‌طور که مشاهده می‌شود، می‌توان اذعان داشت؛ طبق نظر فردوسی، ایران شایسته فرمانروایی است. همچنین فردوسی در اشعار خود به خداپرستی ایرانیان اشاره دارد و فرمانروایی زمین را سزاوار ایرانیان دانسته و به‌خاطر این نعمت‌های خداوندی، پروردگار خویش را می‌ستاید:

زمین هفت کشور به شاهی مراست
چنان کز خداوندی او سزاست
همی باز یابم ز روم و ز هند
جهان شد مرا همچو رومی پرند
سپاسم ز یزدان که او داد زور
بلند اختر و بخش کیوان و هور

(فردوسی، ۱۳۷۰: ۱۷۰۸ و ۱۷۰۹)

فردوسی مسئولان و کاردانان کم کار را که عامل رنج بر مردم کشور می‌شوند، سزاوار فرمانروایی ندانسته است و آنان را موجب سرافکنندگی کشور معرفی می‌نماید:

گر از کارداران و از لشکرش
بداند که رنجست بر کشورش
نیازد به داد او جهاندار نیست
بر او تاج شاهی سزاوار نیست
سیه کرده منشور شاهنشهی
وزان پس نباشد ورا فرهی

(فردوسی، ۱۳۷۰: ۱۷۱۱)

و در ادامه اضافه می‌کند که با حاکمیت عدالت است که جهان آباد و مردمانش شاد می‌شوند:

دل زیر دستان ما شاد باد
هم از داد ما گیتی آباد باد

(فردوسی، ۱۳۷۰: ۱۷۱۱)

ایرانیان همواره این حس عظمت و بزرگی را داشته و از اجداد خود نیز چنین احساسی به ملیت خود همچون آموزه‌های فردوسی به فراوانی به یادگار مانده است. بنابراین دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت اگر بر فرهنگ دیرین خود پایبند و آن را گسترش دهند و در تربیت فرزندان خویش از این آموزه‌ها بهره ببرند، یقیناً آینده فرزندان ایران همچون گذشته، درخشان‌تر خواهد بود.

آزادی و آزادگی مردمان وطن

آزادی واژه‌ایست پر مفهوم و با معنی و بستگی دارد که انسان خود چگونه و کجا از آن استفاده کند تا معنی آن را به درستی بفهمد. شاید اولین چیزی که از مفهوم آزادی به ذهن می‌رسد، عدم وابستگی و نداشتن ترس از بیان واقعیت یا آزادی در انتخاب و خیلی چیزهای دیگر باشد. فردوسی ایران را جایگاه مردمان آزاده دانسته و اذعان داشته است:

سیاوش منم از پریزادگان
از ایرانم از شهر آزادگان

(فردوسی، ۱۳۷۰: ۹۲۳)

شاید آزادی در تاریخ تمدن‌ها برای خیلی از آنها آرمان یا آرزو بوده باشد. ولی مشاهده می‌شود که فردوسی در آن زمان مردمان ایران را آزاده خوانده و حتی ایران را به بهشت و بوستانی تشبیه کرده که همواره معطر است. در واقع وطن را می‌ستاید و در تعریف آن می‌نویسد:

که ایران بهشتیست یا بوستان همی بوی مشک آید از دوستان

(فردوسی، ۱۳۷۰: ۱۹۲۰)

چنین کوه و دشت‌های فراخ همه از در باغ و میدان و کاخ
پراز گاو و نخچیر و آب روان که از دیدنش زنده گردد روان

(فردوسی، ۱۳۷۰: ۱۹۸۳)

بنابراین آزاد بودن و آزادگی از نگاه فردوسی به‌عنوان یکی از اصول موفقیت و شادکامی و سرفرازی هر ملت و کشوری قلمداد می‌شود و فردوسی به‌خاطر آزادگی مردمان ایران زمین به خود می‌بالد. امروزه نیز اهمیت آزادگی در کشور بر کسی پوشیده نیست و همه ملل بر آن تأکید دارند. به‌طوری که متفکران آزادی را به‌عنوان آرزوی انسان و مایه بروز استعدادها و توانایی‌های فطری و باعث تکامل و توسعه و تفکرات می‌دانند. پس به هر مسلمانی لازم است آن‌چنان که در امور مادی تلاش می‌نماید، بیش از آن در جهت آزاد اندیشیدن و آزادگی فکری قدم بردارد.

مؤلفه‌های وطن‌دوستی در آموزه‌های اسلام

بعد از اینکه به بررسی مؤلفه‌های وطن‌دوستی در شاهنامه اثر برجسته فردوسی پرداخته شد، در ادامه سعی می‌شود تا مؤلفه‌های وطن‌دوستی در آموزه‌های اسلامی نیز شناسایی شود. در واقع هدف این است تا در این زمینه به یک فهم کامل و جامع که مبتنی بر فرهنگ ایرانی-اسلامیست، دست‌یافت و این یافته‌ها برای دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت در جهت تربیت دانش‌آموزان وطن‌دوست رهگشا باشد.

اهمیت وطن، شهر و زندگی

کلمه وطن، عشق، ارزش، غرور و... را یاد انسان می‌آورد و چنین ارزشی قطعاً اهمیت والایی دارد. این اهمیت دادن یعنی مکان زندگی خود را آباد ساختن و عشق ورزیدن به آن است. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «لَيْسَ بَلَدٌ بِأَحَقَّ بِكَ مِنْ بَلَدٍ. خَيْرُ الْبِلَادِ مَا حَمَلَكَ». هیچ شهری برای تو بهتر از شهر دیگر نیست. بهترین شهرها آن است که پذیرای تو باشد (سیدرضی، نهج البلاغه: حکمت ۴۴۲). امام علی علیه‌السلام در این بیان خود خیلی زیبا اهمیت مکان زندگی انسان را شرح می‌دهند که هیچ جایی بهتر از وطن تو نیست و اهمیت آن در این است که آن مکان تو را قبول کند و قطعاً هیچ کسی از وطن خود رانده نمی‌شود و وطن همیشه پذیرای مردمانش هست؛ این یعنی ارزش و اهمیتی

که وطن دارد، هیچ جایی از دنیا برای ما ندارد و همه ما انسان‌ها باید با عشق و علاقه و تلاش برای آبادانی و پیشرفت وطن خود با تمام وجود پای کار باشیم. مهم آن است که همه ما به عنوان یک شهروند وظیفه‌شناس و یک فرد وطن‌خواه و وطن‌دوست اهمیت شهر و زندگی و وطن خود را دانسته و هرچه بهتر و بیشتر در جهت امنیت و شادمانی محل زندگی خود تلاش شود.

از اهمیت وطن همین که در آیاتی از قرآن کریم خداوند متعال به زادگاه پیامبر اسلام قسم می‌خورد: «لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ (۱) وَأَنْتَ حَلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ (۲): قسم می‌خورم به این شهر، درحالی که تو در آن جای داری» (سوره البلد، آیه ۱ و ۲). قسم و سوگند خداوند متعال به شهری که پیامبر گرامی اسلام در آن متولد شده نشان از اهمیت والای وطن دارد، گرچه این سوگند به خاطر آن بود که پیامبر در آن اقامت داشت. اما می‌توان پی برد که زادگاه هر انسانی نقشی اساسی در سرنوشت او دارد و ارزش سرزمین‌ها به ارزش انسان‌های ساکن آنهاست؛ لذا هرچه مردمان با تقوا، ایمان و ارزش‌های انسانی والا در وطن پرورش یابند، ارزش وطن را بالا می‌برند.

دفاع از وطن

علاقه به میهن و عشق به آن هر انسانی را در پاسداشت از مرزوبوم خود برانگیخته و روحیه دفاع، استقامت و ایثار برای وطن را این عشق زنده نگه می‌دارد؛ هر کسی که در برابر هرگونه تهدید و گستاخی بیگانگان که سرزمین و وطن او را مورد نظر قرار می‌دهند، غیرتمندانه و شرافتمندانه بایستد، قطعاً از ارزش والایی در نظر مردمان خود برخوردار می‌شود. این دفاع کردن نشانه غیرت، احساس مسئولیت، بزرگی نفس و عشق به وطن است. در کلام امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در نهج البلاغه خطاب به مردم کوفه آمده است:

«ای مردم کوفه بدن‌های شما در کنار هم، ولی افکار و خواسته‌های شما پراکنده است؛ سخنان ادعایی شما سنگ‌های سخت را می‌شکند ولی رفتار سست شما دشمنان را امیدوار می‌سازد؛ در خانه‌هایتان نشسته‌اید، ادعاهای و شعارهای تند سر می‌دهید ولی در روز نبرد می‌گویید: ای جنگ! از من دور شو و فرار می‌کنید. آن کس که از شما یاری خواهد ذلیل و خوار است، و قلب رها کننده شما آسایش ندارد. بهانه‌های نابخردانه می‌آورید چون بدهکاران خواهان مهلت، از من مهلت می‌طلبید و برای مبارزه سستی می‌کنید. بدانید که افراد ضعیف و ناتوان هرگز نمی‌توانند ظلم و ستم را دور کنند و حق جز با تلاش و کوشش به دست نمی‌آید. شما که از خانه خود دفاع نمی‌کنید چگونه از خانه دیگران دفاع می‌نمایید؟ و با کدام امام پس از من به مبارزه خواهید رفت؟» (نهج البلاغه، خطبه ۲۹).

در این کلام امام علی علیه‌السلام علت شکست کوفیان را عدم ناتوانی آنها در برابر دفاع از وطن و خانه خود و برخی رفتارهای دوگانه می‌داند. ادعاهایی زیاد ولی رفتار و عملی سست و افکار پراکنده و ترس از مردن

در جنگ برای دفاع از وطن را علت نابودی شهر و دیار و تسلط دشمن بر آنها می‌دانند؛ اگر کسی توانایی دفاع از شهر و وطن خود را نداشته باشد، چگونه می‌تواند حافظ خانه دیگران شود، در حالی که حکومت دست ماست و ادعاهایی بزرگ داریم؛ دفاع از وطن امری اجتناب‌ناپذیر است که ایثار و از خودگذشتگی آن را معنا می‌کند و اگر این روحیه در مردم نباشد، نابودی و سرافکنندگی آنها حتمی است.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «...قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا... گفتند: چگونه شود که ما به جنگ نرویم در صورتی که (دشمنان ما) ما و فرزندان ما را (به ستم) از دیارمان بیرون کردند؟! (سوره بقره، آیه ۲۴۶). خداوند در این آیه ایمان یهود را برای بازپس‌گیری زمین‌های خود از زبان خودشان بیان نموده است، این مورد بیانگر نگاه با اهمیت اسلام نسبت به اراضی مسلمانان است که باید برای دفاع از آن از تمام دارایی و حتی جان خود بگذرند. همان‌طور که از مهم‌ترین کارهای نبی مکرم اسلام اعاده این حق از دست‌رفته است.

حساسیت بر سرزمین

وطن دوستی از دیرباز تاکنون به‌عنوان ارزش والا شناخته شده است. حساس بودن به تمامیت ارضی کشور برای هر انسانی موضوع خاص و مهمی است که زیبا و غرورآفرین است. واجب است که هر انسانی شرافت انسانی خود را در دفاع از وطن و حساسیت به آن پیدا کند؛ البته حساس بودن چنان باید باشد که موجب بی‌راهه رفتن و افراط نشود. امام علی علیه‌السلام در خطبه ۳۴ نهج البلاغه علت عقب‌ماندگی کوفیان را ناشی از بی‌اهمیتی و حساس نبودن به سرزمین و وطن خود دانسته است:

«به خدا سوگند شما بد وسیله‌ای برای افروختن آتش جنگ هستید؛ شما را فریب می‌دهند ولی فریب دادن نمی‌دانید؛ سرزمین شما را پیاپی می‌گیرند و شما پروا ندارید. چشم دشمن برای حمله شما خواب ندارد، ولی شما در غفلت به سر می‌برید» (نهج البلاغه، خطبه ۳۴).

در حقیقت مردم کوفه وسیله خوبی برای برپا شدن جنگ دانسته شده‌اند. چون فریب می‌خورند و از تصرف سرزمینشان هیچ ترس و پروایی ندارند و در خواب غفلت به سر می‌برند. حساس نبودن و علاقه نداشتن به وطن بی‌غیرتی، و بی‌پروایی از فتح سرزمین توسط دیگران از جمله خصلت‌های کوفیان بود که امام به آن اشاره کرده است. به‌موجب این سرزنش، می‌توان فهمید که باید نسبت به سرزمین خود حساس بوده تا مبادا مایه دست‌درازی دشمنان شود و رسوایی مانند کوفیان به بار آورد، البته مردم کشور ایران با کوفیان قابل قیاس نیستند چون در طول تاریخ مردمان کشور ایران ثابت کرده‌اند که مردمی حساس، غیور و متعهد به مرز و خاک خود هستند و دست‌متجاوزان را از دسترسی به خاک و وطن همیشه قطع کرده و می‌کنند.

وطن ذاتاً یک ارزش است

در شروع مبحث بهتر است روشن شود که ارزش چیست؟ اموری که برای گروهی از اهمیت بالایی برخوردار است، ارزش را معنا می‌کند. وطن یک امر مهم برای اعضای آن است و از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. ذاتی بودن ارزش وطن بدان منظور است که انسان به طور فطری عشق و علاقه به وطن خود دارد چه در داخل کشور باشد و چه در خارج از آن همیشه مجاهدانه در دفاع از وطن خویش می‌کوشد و قلبش برای وطن خود می‌تپد. بدین جهت خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»؛ خدا شما را از نیکی کردن به رعایت عدالت نسبت به کسانی که در امر دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند، نهی نمی‌کند چرا که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد (سوره ممتحنه، آیه ۸). یا در آیه دیگر می‌فرماید: «إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»؛ شما را تنها از دوستی و رابطه با کسانی نهی می‌کند که در امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه‌هایتان بیرون راندند یا به بیرون راندن شما کمک کردند و هر کس با آنان رابطه دوستی داشته باشد، ظالم و ستمگر است (سوره ممتحنه، آیه ۹).

خداوند در این آیات به دو نکته اشاره می‌کند: اول کسانی که در راه دین و بیرون راندن دشمنان از خانه و دیارتان در کنار شما پیکار و جنگ نمی‌کنند و شما را همراهی نمی‌کنند، خداوند شما را از دوستی با آنها نهی نمی‌کند. دوم بلکه می‌فرماید کسانی که در این موارد با شما جنگ و ستیز می‌کنند، به دوستی و رابطه با آنها نهی می‌شوید. از دقت در آیات می‌توان فهمید که خداوند نسبت به اینکه ما نسبت به سرزمین و دیار خود واکنش نشان دهیم تذکر می‌دهد و این یعنی وطن ارزش والا و مقدسی است که باید با کسانی که نسبت به این ارزش بی‌احترامی و تعرض می‌کنند، پیکار و جنگ کرده و حتی نباید رابطه با آنان ایجاد کرد. این ارزش والا (وطن) که در ذات ما نهادینه شده است، آن قدر مهم است که خداوند نسبت به این ارزش، حساس است و ما را از رابطه با کسانی که به دنبال بیرون راندن ما از سرزمین‌های خود هستند، نهی می‌کند و کسی که رابطه دوستی با آنان دارد، ظالم شمرده می‌شود.

حب وطن

همه انسان‌ها دیار و وطن و سرزمین خود را دوست دارند و عشق و علاقه خود را به شکل‌های مختلف نشان می‌دهند. بدین منظور امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «شهرها با حب وطن آباد می‌شود» (مجلسی، ۱۳۸۸: ۴۵).

در حقیقت امام علت آبادانی وطن را عشق و علاقه به وطن معرفی می‌کند. یعنی عشق و علاقه به وطن است که باعث می‌شود وطن پیشرفت کند و آباد شود؛ این علاقه به وطن است که افراد را وامی‌دارد تا برای آبادانی وطن خود تلاش کنند.

در حدیث دیگری از امام علی علیه‌السلام آمده است: «از نشانه‌های ارزش و شخصیت انسان آن است که نسبت به عمر از دست‌رفته اشک بریزد و نسبت به وطنش علاقه‌مند باشد» (مجلسی، ۱۳۸۸: ۲۶۴). در این حدیث هم نشانه شخصیت انسان علاقه و عشق به وطن دانسته شده یعنی انسان مادامی دارای ارزش و دارای شخصیت است که عشق و علاقه به وطن داشته باشد. از آنچه گفته شد می‌توان اذعان داشت که عشق و علاقه به وطن آن‌چنان دارای اهمیت است که امام آبادانی وطن و شخصیت و ارزش انسان را با عشق و علاقه به وطن معنی می‌کند و این عشق است که باعث اداره دنیا می‌شود.

دوست داشتن وطن امری فطری است یعنی از همان اول زندگی در بنیاد انسان‌ها نهادینه شده است؛ قرآن کریم چنین می‌فرماید:

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَكَسِبْنَ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ؛ پس تو مستقیم روی به جانب آیین پاک اسلام آور درحالی که از همه کیش‌ها روی به خدا آری، و پیوسته از طریقه دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده است پیروی کن که هیچ تغییری در خلقت خدا نباید داد، این است آیین استوار حق، ولیکن اکثر مردم (از حقیقت آن) آگاه نیستند» (سوره روم، آیه ۳۰). بنابراین محبت به وطن جزو سرشت انسان است. این میل طبیعی را خداوند در بین انسان‌ها قرار داده و مورد توجه اسلام هست و همواره محترم و مقدس شمرده می‌شود، از دل‌بستگی‌های انسان خاک، سرزمین و وطن است که برای آن آرامش و آسایش می‌آورد، به همین دلیل است که ملت‌ها خصوصاً ملت ایران در برابر هر کشوری به‌سان کوه ایستاده‌اند و مردانه از مرز پرشکوهشان دفاع می‌کنند.

اهمیت وجود امنیت و رفاه در وطن

زمانی وطن و سرزمین برای مردمانش سودبخش است که امنیت و رفاه شادی و دل‌خوشی را به ارمغان بیاورد. آشکار است که امنیت یک مقوله ارزشمند و مهم است؛ که اگر نباشد زندگی کردن تقریباً غیرممکن می‌شود. وطن و سرزمین نیز در نبود امنیت همیشه در خطر است و این باعث استرس و دل‌نگرانی مردم آن می‌شود.

امام علی علیه‌السلام در حدیثی می‌فرماید: «بدترین وطن وطنی است که ساکنانش در آن ایمن نباشند» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: حدیث ۵۷۱۲). کلام امیرالمؤمنین خیلی واضح بیان می‌دارد که ایمن نبودن مردم در وطن

ارزش آن وطن را پایین می آورد و به بدترین وطن مبدل می شود. در حدیث دیگر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمده است: «خیری در وطن نیست مگر با امنیت و شادی» (شیخ صدوق، ۱۳۶۸: ۳۶۹).

زمانی وطن برای ما سودبخش و خیرآفرین است که همراه با امنیت و شادمانی مردم آن باشد و اگر وطن فاقد این دو فاکتور باشد نه تنها سودی برای مردمانش ندارد، بلکه زندگی همراه با رفاه و دلخوشی و بدون نگرانی را از آنها می گیرد؛ و این یعنی تباهی، ناامیدی، درد و بیماری، و فشار روانی که هر کدام می تواند ملتی را به گل بنشانند. پس امنیت و شادی وطن یک اصل مهم و ضروری است که سردمداران حکومت ها باید برای ایجاد و ثبات آن شب و روز دغدغه مند بوده و در تحقق امور اولویت کارهایشان باشد.

قرآن نیز امنیت و رفاه را مهم می داند و لازمه شهر و سرزمین دینی می داند: «قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِّنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ أُمَمٍ مِّمَّنْ مَعَكَ ۗ وَأُمَّمٌ سَنَمَتُّهُمْ ثُمَّ يَمْسُهُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ و خطاب شد که ای نوح، از کشتی فرود آی که سلام ما و برکات و رحمت ما بر تو و بر آن امم و قبایلی که همیشه (در خداپرستی) با تو اند اختصاص یافته، و امت هایی دیگر هستند که (خودسر و ستمگر شوند و) ما به آنها بهره ای (از دنیا) دهیم، سپس عذابی سخت (در قیامت) از ما به آنان خواهد رسید» (سوره هود، آیه ۴۸).

آیه شریفه اشاره دارد به زمانی که طوفان تمام شد و کشتی حضرت نوح (ع) به زمین نشست و می خواست به همراه امت هایی که با آن بودن شهری برپا کند، خداوند همان اول کار دو ویژگی را برای آنها قرار داد؛ اول: امنیت «يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِّنَّا» که امنیت همان سلام الهی است و دوم «بَرَكَاتٍ» اشاره به رفاه مشخصاً رفاه اقتصادی دارد. این دو ویژگی آن قدر اهمیت بالایی دارند که خداوند از آغاز برپایی شهر توسط حضرت نوح (فرود آی) با معرفی و بخشیدن این دو ویژگی به برپایی شهر و سعادت آنها مژده داد.

مقایسه و تطبیق نگاه شاهنامه و آموزه های اسلامی به مبحث وطن دوستی

بعد از بررسی و تجزیه و تحلیل وطن دوستی در شاهنامه فردوسی و نگاه اسلام به بررسی ویژگی های هر یک پرداخته و شباهت ها و تفاوت های آنها نیز بیان می شود.

میهن دوستی از موضوعات اساسی شاهنامه فردوسی محسوب می شود البته این به تقاضا و طلب زمانه شاعر بوده است. در دوران زندگی حکیم ابوالقاسم فردوسی خطرهای استقلال کشور را تهدید می کرد، فردوسی وطن دوست نیز خوب این موضوع را فهمیده بود و برای هشدار مردمان و دولت در شاهنامه به مسئله یگانگی و وحدت ایران و ایرانی و حفظ ایران از خطرها و هجوم ها، توجه خاصی نشان می داد.

برای فردوسی ایران نه تنها وطن بلکه تمام هستی و از همه چیز برای آن عزیزتر است؛ در بیتی فردوسی

می گوید:

نخوانند بر ما کسی آفرین چو ویران بود بوم ایران زمین

(فردوسی، بی تا: بیت ۳۲۱)

فردوسی می گوید اگر سرزمینمان ویرانه باشد کسی تحسینمان نمی کند بلکه مورد سرزنش و هجوم هم قرار می گیریم؛ خیلی ساده و واضح هشدار می دهد تا این عشق وطن و وطن دوستی با این بیت به هم وطنان منتقل شود. نگاه فردوسی نگاه غیرتمندانه، عاشقانه و دل سوزانه برای وطن است؛ این ابیات وطن دوستانه فردوسی نشان می دهد که چه خون دل هایی برای وطن خورده است که همه رنگ و بویی جز عشق و علاقه شدید قلبی به وطن ندارد. مسئولیت پذیری، انسانیت، عشق به مردم سرزمین و خاک آن، دفاع از وطن با تمام وجود خود، ایثار، فداکاری، بزرگی، نداشتن ترس، غیرت و مردانگی، شرف، فرمانروایی جهان، عدالت و آبادانی، آزادگی و... ویژگی ها و مؤلفه هایی هستند که در وطن دوستی شاهنامه به آن اشاره شده است.

از نظر دین اسلام همچون شاهنامه توجه به وطن و پاسداری از آن به شدت مورد توجه بوده است. از نگاه اسلام اساساً رابطه و پیوند میان انسان و زادگاهش سبب علاقه او به وطن می شود و این علاقه به وطن است که موجب دفاع و حفظ وطن می گردد. دین علاوه بر ایجاد انگیزه برای حفظ و دفاع از آیین اسلامی، به ایجاد انگیزه برای حفظ و دفاع از وطن نیز تأکید فراوانی می کند. مهم ترین چیزی که می توان برداشت کرد این است که باید در وطن دوستی طوری عمل شود که در مسیر الهی رهنما باشد. انسان با این عمل در واقع به فرمایش خدا و پیامبرش عمل می کند و در مسیر انسانیت خودش به پرورش روح و سلوک الی الله گام بزرگی برمی دارد. به طور موردی به مهم ترین ویژگی هایی که در متن خواننده شد اشاره می شود:

- به گفته امام علی علیه السلام زندگی در مکانی که با عزت و شرف و آبرو برخوردار باشد از همه جا برای ما بهتر است

- عمل (ایمان و تقوا) شرف، عزت و ارزش وطن است

- افکار پراکنده، ترس و ایمان ضعیف نشانه علاقه نداشتن به وطن و باعث نابودی وطن است

- دفاع با تمام وجود از سرزمین از مهم ترین کارهای پیامبر اسلام بوده

- غفلت ورزیدن و نداشتن هیچ ترسی از فتح سرزمین علت نابودی وطن و شرمساری برای مردمان است

- عدالت پیشه بودن و با عدالت پیشگان دوستی کردن در وطن مهم است

- حب وطن موجب آبادانی آن است

- علاقه به وطن نشانه شخصیت والای انسان است

- امنیت وطن مهم است و باید برای مردمان آن اصلی ترین هدف باشد

در کل اسلام صراحتاً بیان می‌دارد که وطن یک ارزش و مؤلفه مهم و مقدس است که باید در راه حفظ آن مجاهدانه بکوشیم البته همان‌طور که اشاره شد این جهاد بخشی از جهادی است که در مسیر تربیت انسان و انسانیت و حفظ و دفاع از آیین الهی شکل می‌گیرد.

شبهات‌ها

در بررسی دو مورد فوق این نکته را می‌توان برداشت کرد که شبهات‌ها خیلی بیشتر از تفاوت‌های آن است و در واقع نگرش فردوسی در شاهنامه نگرش اسلامی و یکتاپرستانه است؛ فردوسی نیز سعی داشت تا روحیه ایثار و فداکاری که اسلام نیز به آن تأکید می‌کند را در میان ایرانیان پرورش دهد و شکوفا کند تا به موجب آن وطن از خطرهایی که او را تهدید می‌کرد، حفظ شود. فردوسی با اشعار حماسی خود و حرفه‌ای‌گری که در به نظم آوردن کلمات داشت، وطن‌دوستی خود را ابراز کرد و اندیشه‌های خود را بیان نمود، همان‌طور که در آیات قرآن کریم و روایات ائمه اطهار علیهم‌السلام این مسئله مهم و مقدس دانسته شده است؛ در واقع می‌توان به این نکته پی برد که جان فردوسی وطن اوست و برای حفظ وطن از هیچ چیزی دریغ نمی‌کند و از هیچ کسی هراسی ندارد، همان‌گونه که خداوند در قرآن به مسئله وطن و امنیت و شادی مردمان در آن تأکید کرده و ائمه اطهار علیه‌السلام نیز فداکاری، امنیت و عشق و ایثار را ارزشی والا در وطن دانسته و حفظ و پاسداری از آن را ضروری می‌دانند.

تفاوت‌ها

همان‌گونه که قبلاً هم بدان اشاره شد، تفاوتی اساسی در شاهنامه و آیات و روایات در مورد وطن نمی‌توان پیدا کرد زیرا خود فردوسی از آیات و روایات تأثیر پذیرفته است؛ لذا تفاوت این دو جزئی است: فردوسی در ابیات وطن‌دوستانه خود وطن را ارزشی مهم و اساسی می‌داند و اساساً فقط بر سرزمین و وطن تأکید شده است؛ تفاوتی که بتوان با آن به مقایسه پرداخت این است که در اسلام همه مؤلفه‌های ارزش وطن یعنی امنیت، رفاه، آبادانی، شادی و... از مجرای آیین الهی رد می‌شود و اعتبار پیدا می‌کند. یعنی پرداختن به وطن و مؤلفه‌های ارزش وطن و وطن‌دوستی با آیین الهی تنظیم می‌شود.

اراده خداوند و وجود انسان‌های بزرگ و مقدس مانند پیامبر گرامی اسلام و ائمه اطهار نیز ارزش والا به وطن می‌دهد و در بزرگی وطن نقش دارد که در ابیات شاهنامه فردوسی ویژگی دفاع جانانه مردم، غیرت و مردانگی و ایثار تأکید شده اما در اسلام علاوه بر آن، ایمان به خدا و توکل به او نیز مهم دانسته شده و در واقع شریان اصلی وطن‌دوستی است. لذا گرچه در شخصیت شاعر نیز چنین چیزی وجود داشته ولی در وطن‌دوستی به ابیات صراحتاً اشاره‌ای نکرده است و فقط در ابیات شاهنامه مسئله دفاع و غیرت بیشتر مهم دانسته شده و بر آن تأکید فراوانی

می‌کند و اشاره خاصی به افراط و تفریط در این موضوع نکرده و فداکاری جریان اصلی ابیات شاهنامه است، درحالی‌که آیات و روایات از مسائل مهم دیگری نیز سخن می‌گوید.

بحث و نتیجه‌گیری

اهمیتی که موضوع وطن در جوامع امروز دارد، اهمیتی بالا و مهم است و بررسی موضوع وطن در ایران که به‌عنوان گهواره تمدن و یک کشوری با قدمت بسیار طولانی است، می‌تواند برای مردمانش جذاب و مهم باشد؛ چنان‌که در رویدادهای مهم ورزشی، شادی بعد از پیروزی و بوسیدن پرچم کشور و حتی اشک‌ها و ناراحتی‌های بعد از شکست نشانگر آن است که وطن چقدر ارزش دارد و این سؤال پیش می‌آید که وطن چه چیزی دارد که این شادی‌ها، غم‌ها و اشک‌ها نثارش می‌شود؟ دقیقاً به‌خاطر همین موضوع و اهمیت والای وطن است که این پژوهش تحقق یافت.

اول به بیان یکسری موضوعات در شاهنامه فردوسی پرداخته شد؛ عشق به وطن یک اصل مقبول در وجود هر انسانی است که ایرانیان از هزاران سال پیش با آفریدن حماسه‌ها و صحنه‌هایی این را معنا کرده‌اند. فردوسی تسلیم شدن و کشور را به دشمن تقدیم کردن را ننگ می‌داند و می‌گوید بهتر است که بمیریم تا آنکه کشور را دو دستی به دشمن تقدیم کنیم؛ همچنین فردوسی می‌گوید که اگر ایران نباشد تن و جان من هم ارزشی ندارد و بهتر است که نابود شود و نباید بی تفاوت نسبت به تهدیدات باشیم تا کشور نابود شود. پس عشق به وطن از دیرباز اهمیت داشته و نقشی اساسی در دفاع و آبادانی کشور ایفا کرده است.

فردوسی مرزوبوم کشور را مهم می‌دانست و نسبت به تمامیت ارضی حساس بود. نگرانی از نابود شدن ایران عشقی بود که فردوسی به وطن داشت و سر تا سر جهان را نیز زیر سیطره خود می‌دانست آنگاه که ایران محل زندگی او بود و وامداری از این خاک و دفاع از آن در مقابل دشمنان ایثار و فداکاری و اتحاد رمز پیروزی بر دشمنان و آزادانه و عزتمندانه زندگی کردن دانسته می‌شد. این عشق وطن است که باعث ایجاد حساسیت به مرزوبوم و ایستادن در مقابل یاوه گویان و مهاجمان می‌شود و موجب تجلی ایثار و فداکاری و اتحاد می‌باشد.

ایجاد حس وطن‌دوستی و افتخار کردن به وطن آن‌چنان مهم است که فردوسی هنر ایرانیان را در جهان بی‌همتا دانسته و مردم ایران را مردمی شجاع معرفی می‌کند که از هیچ چیز و هیچ کس هراسی ندارد. این حس وطن‌دوستی و عشق وطن است که موجب افتخار کردن به هر ذره از خاک آن می‌شود و انسان را بر آن می‌دارد که جان خود را فدای کشورش کند و اگر در هر جایی از دنیا هم باشد، باز به شوق وطن اشک بریزد.

ایثار به معنی دیگران را بر خود مقدم داشتن و از هر چیز خود برای هدف مشخصی گذشتن است. فردوسی در شعر خود به وصف جوانان وطن پرداخته که چگونه برای وطن خود از زن و کودک و مال خود می گذرند و فداکردن جان را بهتر از تسلیم شدن در برابر دشمن می دانند. گذشتن از تعلقات دنیایی و حتی خانواده خود، در راه وطن که از عشق، غیرت و وطن دوستی نشأت می گیرد، ایثار را معنا می کند و چه کار بزرگی است ایثار. ایجاد حس مثبت نسبت به وطن و در واقع خود واقع بینی ملی در جهان ارزش بنیادی برتری است که فردوسی هم بدان اذعان داشته و گفته ایران شایستگی فرمانروایی است؛ و حاکمانی که در این زمینه کم کاری کنند شایسته فرمانروایی در ایران نیستند و قطعاً با عدالت است که جهان آباد می شود. ایرانیان و ایران همواره مردم و کشوری قدرتمند بوده و میراث دار تمدنی کهن و برترند و زنده نگه داشتن این میراث و انتقال آن به آینده متضمن تربیت نسلی شجاع و قدرتمند و پیشرو است. لذا مهم ترین نهاد یک کشور آموزش و پرورش آن است و می توان از کشورهای موفق نیز در این زمینه الگو گرفت.

آزادی معناهای زیادی دارد؛ شاید به معنی آزادی در انتخاب و یا عدم وابستگی و عدم ترس از بیان واقعیت باشد. فردوسی ایران را جایگاه مردمان آزاده دانسته که شاید برای خیلی از مردمان جهان آرزو بوده باشد. اما فردوسی چنان به تعریف از وطن می پردازد و رفاه مردم آن را بیان می دارد که نشانگر آزادگی مردمان ایران است. آزاد بودن و آزادانه زندگی کردن یک ویژگی بارز مردمان ایران بوده است چنان که فردوسی می گوید ایران مکان زندگی مردمان آزاده است.

در آموزه های اسلامی هم به بررسی وطن دوستی پرداخته شد. یافته ها نشان داد که در حدیث امام علی علیه السلام درباره اهمیت وطن؛ ارزشی که وطن دارد هیچ چیزی و هیچ مکانی از دنیا ندارد؛ مهم آن است که همه این اهمیت را فهمیده و هرچه بیشتر برای آبادانی وطن تلاش کنند. قسم خوردن خداوند به وطن پیامبر در سوره بلد هم نشان می دهد که وطن دارای اهمیتی بالا می باشد. پس در آموزه های اسلامی و سخنان ائمه وطن یک اصل مهم و دارای اهمیت است که باید بدان توجه شود.

دفاع از وطن نشانه غیرت، عشق به وطن، احساس مسئولیت و بزرگی نفس است که در سخنان امیرالمؤمنین به مردم کوفه سخنان ادعایی آنها و عمل نکردن به سخنان و بهانه تراشی هنگام دفاع و جنگ برای وطن دیده می شود که دفاع از وطن ارزشی والا و مهم است و امری اجتناب ناپذیر است که ایثار و از خود گذشتگی آن را معنا می کند و خداوند در سوره بقره هم نگاه با اهمیت مسلمانان به اراضی خود و دفاع همه جانبه آنان از سرزمین خویش را تبیین می کند که ارزش آن را بیان می دارد. دفاع از وطن امری مهم است که نشانه غیرت مردمان و بی اهمیت دانستن این موضوع موجب نابودی وطن می شود.

واجب است هر انسانی شرافت انسانی خود را در دفاع از وطن و حساس بودن به آن پیدا کند. امام علی علیه السلام دلیل عقب ماندگی کوفیان را ناشی از حساس نبودن و بی اهمیتی آنان به وطن خود دانسته است؛ از جمله خصلت های کوفیان حساس نبودن و ترس از مردن بود که باعث سلطه دشمن به آنان و خواری و ذلت آنها در تاریخ شد. نگاهی که اسلام به وطن دارد نگاهی است حساس و با اهمیت تا خواری و ذلت دامنگیر وطن و مردمان آن نشود.

وطن یک ارزش ذاتی است، یعنی انسان در هر جایی باشد قلبش برای وطن خود می تپد. خداوند متعال در سوره ممتحنه اشاره می کند تنها با کسانی دوست شوید که به وطن شما احترام می گذارند و با آنهایی که شما را از دیارتان بیرون می کنند، دوستی نکنید و حتی با آنها پیکار کنید. این امر نشان دهنده ارزش والای وطن است که اگر رعایت نشود ظلم به وطن و مردمان آن دانسته می شود. وطن ارزشی مقدس و مهم است که حتی خداوند متعال هم نسبت به آن حساس است و انسان ها را در ارزش نهی به این امر مقدس راهنمایی می کند.

حب به معنی عشق و علاقه و دوست داشتن است و همه انسان ها به وطن خود این حس را دارند امام علی علیه السلام این عشق و علاقه را موجب آبادانی وطن می داند و از نشانه های مردانگی می خوانند. قرآن کریم هم حب وطن را امری فطری قلمداد و همواره مقدس می شمارد. دوست داشتن وطن امری طبیعی و مهم است که به موجب آن می توان رفاه، امنیت و آبادانی را برای وطن به ارمغان آورد.

امام علی علیه السلام می فرماید بدترین وطن وطنی است که امنیت نداشته باشد. پس، از مؤلفه های مهم برای وطن امنیت و رفاه هستند و سخن پیامبر (ص) که می فرماید خیری در وطن نیست مگر با امنیت و شادی و فاکتور مهم ایجاد شهرها این دو مؤلفه هستند. در ایجاد امنیت و رفاه دوست داشتن وطن امری ضروری است چون اگر وطن دوستی نباشد این مؤلفه ها که ستون بنای وطن اند، نخواهند بود و نابودی وطن حتمی است.

امنیت، رفاه، حب وطن و دفاع از آن، ایثارگری و وطن دوستی و موارد دیگری که بررسی شد هم در شاهنامه فردوسی و هم در آموزه های اسلامی برای بقای وطن بود و نشانه وطن دوستی مردم آن دانسته شد. به طوری که هم در شاهنامه و هم در آموزه های اسلامی نگاهی متفاوت و چندبُعدی را در ارتباط با وطن می بینیم که مسئله را بررسی می کند. در کل اشتراکات زیادی همچون داشتن روحیه ایثار و فداکاری، عشق و تعصب به سرزمین، فداکاری، امنیت وطن و... مابین این دو موضوع موجود است و دیدگاه ایرانی اسلامی در این موضوع بهترین نتیجه آن می باشد و بنابراین بر اساس یافته ها به دست اندرکاران تعلیم و تربیت و مؤلفان کتب درسی پیشنهاد می شود با توجه به ضرورت تقویت روحیه وطن دوستی در دانش آموزان به عنوان نسل آینده ساز کشور، نسبت به تشریح و تبیین وطن دوستی به روش تطبیقی یعنی با توجه به اسناد ملی و دینی اهتمام ورزند تا نسلی مسئولیت پذیر، وطن خواه،

دل سوز و هدمند برای عزت و شکوفایی وطن به بار بنشیند. بنابراین پیشنهاد می شود، هر نظام تعلیم و تربیت در راستای محقق ساختن ماهیت وطن دوستی باید اقداماتی را انجام دهد و در اینجا به برخی از راهکارها اشاره می شود:

- بهره گیری از داستانها و وقایع ملی در کتب درسی
- باز تولید شخصیت های مذهبی دوران دفاع مقدس در نظام آموزشی
- ارتقای سطح علمی آموزگاران در حوزه وطن دوستی
- درونی سازی ماهیت واقعی در دانش آموزان
- توسعه فرهنگ وطن دوستی، ایثار و از خود گذشتگی در راستای تقویت هویت و فرهنگ وطن دوستی
- تهیه فیلم های تاریخی و پخش آن در مدارس
- رفع چالش ها و شبهات پیش روی پژوهشگران در خصوص وطن دوستی
- پرورش و به کار گیری نیروهای متعهد در مدارس و نهادهای آموزشی برای تربیت صحیح
- نظارت بر محتوای کتب درسی و ویرایش آن در راستای تحقق ماهیت درست مفهوم وطن دوستی
- همکاری با نهادهای فرهنگی جهت استفاده از امکانات آنها و پیشبرد سریع اهداف
- استفاده از وسایل ارتباط جمعی و فناوری اطلاعات و ارتباطات جهت جذاب کردن و تأثیر گذاری بهتر

منابع

- قرآن کریم. ترجمه: ناصر مکارم شیرازی؛ انتشارات اسوه.
- نهج البلاغه. (۱۳۹۲). نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات نشتا.
- اسلامی، روح الله. (۱۳۹۹). وطن دوستی؛ مبانی و محرک توسعه در اندیشه ایرانی.
- <https://b2n.ir/k82019>
- تمیمی آمدی، عبدالواحد. (۱۳۶۶). غرر الحکم و درر الکلم، شرح آقا جمال الدین خوانساری، قم: دفتر تبلیغات.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۸). من لایحضره الفقیه، علی اکبر غفاری، نشر صدوق.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۰). شاهنامه، ترجمه دکتر سید محمد دبیر سیاقی، تهران: شرکت چاپ و انتشارات علمی.
- فردوسی، ابوالقاسم. (بی تا). شاهنامه، جواد احشامیان: لینک اثر:
- <https://b2n.ir/a66728>
- ملاحمد، میرزا. (۱۳۸۸). بیا تا جهان را به بد نسپریم (پیام اخلاقی حکیم ابوالقاسم فردوسی)، چاپ اول، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۳۸۸). بحار الانوار، نوروحی.

میرجلیلی، علی محمد؛ صحرایی اردکانی، کمال؛ موسویان، حمیده سادات. (۱۳۹۱). وطن دوستی از دیدگاه قرآن و روایات (موضوع: فلسفه اسلامی).

<https://b2n.ir/a92790>

یوسفی جویباری، محمد؛ صیدی محمدی، یاسر؛ فتاحی، علیرضا. (۱۳۹۱). نابرابری‌های قومی و امنیت ملی، مطالعات جامعه‌شناسی، ۵(۱۵)، ۱۲۱-۱۳۷.

رهبری، مهدی؛ بلباسی، میثم؛ قربی، سید محمدجواد. (۱۳۹۴). هویت ملی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جلد ۱. ایران. فصلنامه مطالعات ملی، ۱۶(۶۱)، ۴۵-۶۶.

